



چالش با ظرفیت‌های فکری سیاسی در کسره عقلانیت شیعی

مهدی نادری^۱

نسبت «آموزه‌های وحیانی» و «یافته‌های بشری» در امر معرفت‌شناسی، از مهمترین مسائل دین‌شناسی و به تبع آن الهیات سیاسی به شمار می‌آید. این مسئله، بالاخص از دوسده اخیر تا کنون در میان متفکران مسلمانان به دغدغه فکری بدل گشته و متناسب با مذاهب و فرق مختلف اسلامی، قرائت‌های مختلفی از این مهم انجام گرفته است. در میان مذاهب اسلامی، تشیع با در اختیار داشتن دو عنصر «عقل» و «عدالت» از دیگر مذاهب و فرق اسلامی متمایز شده و تا حدودی توانسته، همراهی و همرویی با مقتضیات دنیای جدید ایجاد کند. با این حال در میان شیعیان، برخی از قرائت‌های شیعی با به حاشیه راندن عنصر عقل در فهم دین، عملاً مسیری متفاوت در سپهر تفکر و عرصه عمل سیاسی رقم زده‌اند. به نظر می‌رسد لازمه برون رفت از وضع موجود و نیل به وضعیت مطلوب، التزام به عقلانیت شیعی و اجتناب از تقلیل عقل‌گرایی به نفع نقل‌گرایی و بالعکس، می‌باشد. با این اجمال، این نوشتار با روش کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این سوال است: «چالش‌ها و ظرفیت‌های تفکر سیاسی تشیع در دوران معاصر چیست؟».

کلمات کلیدی

سیاست، تشیع، عقلانیت، تفکر سیاسی.